



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# پیامبر اسلام از دیدگاه گوستاو لوبون



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پیامبر اسلام از دیدگاه گوستاولوبون

نویسنده:

محمد اصغری نژاد

ناشر چاپی:

مجهول ( بی جا ، بی نا )

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	پیامبر اسلام از دیدگاه گوستاولوبون
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۸	عظمت اسلام
۸	دوران کودکی حضرت محمد
۹	بعثت حضرت محمد
۹	وقایع پس از هجرت
۱۵	قرآن مجید
۱۵	فلسفه قرآن
۱۸	فتوحات اعراب
۲۰	درباره مرکز

### مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: اصغری نژاد، محمد

عنوان و شرح مسئولیت: پیامبر اسلام از دیدگاه گوستاولوبون [منبع الکترونیکی] / محمد اصغری نژاد

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۸ بایگانی: ۳۶.۴KB)

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام

پیامبر اسلام از دیدگاه گوستاولوبون

### مقدمه

هر پژوهنده ای که به دیده دقت به (تمدن عرب) بنگرد، متوجه می شود که "لوبون" در نگارش مطالب از دیده انصاف به تمدن اعراب نگریسته است. از این رو نباید برخی اشتباهات کتاب را ناشی از تعصبات ناصحیح دانست، بلکه علل آنها را باید در مواردی که در این مقاله بحث خواهد شد، جستجو کرد. "گوستاولوبون" از جمله خاورپژوهان بلندپایه فرانسوی است که به سال ۱۸۴۱ میلادی چشم به جهان گشود و در سال ۱۹۳۱ از دنیا رفت. وی مطالعات گسترده ای درباره اسلام و تمدن مسلمانان به انجام رسانده است. در آثار وی تعصبات یک جانبه و منفی نسبت به اسلام و مسلمانان کمتر به چشم می خورد و این از ویژگی های منحصر به فرد اوست که در کمتر پژوهش گری می توان سراغ یافت. او فقط از عرب و تمدن عربی دفاع نکرد، بلکه از حقوق مسلمانان دفاع و از سیاست های ظالمانه دولت های اروپایی شدیداً انتقاد کرد و در نکوهش دولت متبوعش نسبت به جنایاتی که در حق مسلمانان الجزایر مرتکب شد، مطالب فراوانی نگاشت. "لوبون" در اثنای تحقیقات و سیاحت های علمی خود به کشورهای مختلف، کتاب های با ارزشی پیرامون تاریخ و تمدن برخی ملت ها نگاشت و حاصل این پژوهش ها را با شرح و توضیح در سه کتاب "راز دگرگونی ملت ها"، "ماهیت اجتماع" و "آرا و باورها" به ودیعه نهاد و آن گاه با توجه به این سه اثر، کتاب های دیگری

چون "ماهیت انقلاب‌ها و انقلاب فرانسه"، "ماهیت سوسیالیسم"، "تمدن هند"، "تمدن مصر" و "تمدن عربی در اندلس" و "تمدن عرب" را به رشته تحریر درآورد. آثار و نوشته‌های او به زبان فرانسوی بود که احمد فتوحی زغلول، صادق رستم و عبدالرحمان برقوقی و دیگران آنها را به زبان عربی ترجمه کردند. کتاب "تمدن عرب" را عادل زعیر که از مترجمان بنام بود، به عربی بازگرداند. این کتاب چند بار در سال‌های ۱۹۴۵، ۱۹۴۸ و ۱۹۷۹ به چاپ رسیده است. هر پژوهنده‌ای که به دیده دقت به (تمدن عرب) بنگرد، متوجه می‌شود که "لوبون" در نگارش مطالب از دیده انصاف به تمدن اعراب نگریسته است. از این رو نباید برخی اشتباهات کتاب را ناشی از تعصبات ناصحیح دانست، بلکه علل آنها را باید در موارد ذیل جستجو کرد. عمده مآخذ "تمدن عرب" برگرفته از منابع اهل تسنن بوده و چون در آنها گزارش‌های ناصواب به وفور یافت می‌شود، در نتیجه کتاب نیز از این اشتباهات در امان نمانده است. در مآخذ اهل تسنن به نقش مهم رهبری و امامت در اسلام و هدایت جامعه بشری اشاره نشده است و واقعیت‌ها آن گونه که باید، تجزیه و تحلیل نشده و لذاست که در کتاب "تمدن عرب" هم به این عامل مهم و حیاتی و نقش سازنده آن و پیامدهای منفی عدم وجود آن اشاره نشده است، بلکه با نگاهی دقیق‌تر باید گفت "لوبون" اسلام و تمدن مسلمانان را از نظرگاه اهل تسنن معرفی کرده است. گزارش‌های نقیض در منابع تسنن، پژوهش‌گری چون "لوبون" را نیز دچار اشتباه کرده و برخی وقایع را به پیروی از مآخذ غلط نقل کرده است.

درک ناصحیح "لوبون" از مفهوم وحی، غیب، معجزه و قرآن، سبب شده، وی در شرح و توضیح این مضامین به اشتباهات معتنابهی دست یازد. مشکل دیگر کتاب این است که نشانی مطالب را به تفصیل و به صورت امروزی، عنوان نکرده است. با این همه تعاریف زیبا و دلنشین "لوبون" از اسلام و رسول خدا(ص) و علل گسترش این دین الهی و تحلیل های با ارزشی که نویسنده از این مذهب و نقش سازنده اش در شکوفایی تمدن ها ذکر کرده، ما را بر آن می دارد که توصیفات در خور توجه و تجزیه و تحلیل های لوبون و سخنان وی را در مدح اسلام بازگو کنیم!

## عظمت اسلام

"گوستاولوبون" در قسمت هایی از کتاب خود به تعریف از اسلام و فرستاده آن، حضرت محمد(ص) پرداخته و به تناسب، تجزیه و تحلیل های جالب و ارزنده ای ارائه داده است که ذکر آنها از دیدگاه یک خاورپژوه فرانسوی، عظمت این مکتب الهی را بیش از پیش روشن می سازد.

## دوران کودکی حضرت محمد

"گوستاولوبون" تحت عنوان "دوران کودکی و جوانی حضرت محمد" می گوید: تاریخ نگاران عرب می نویسند: "هنگام ولادت پیشوای بزرگ اسلام، نشانه های شگفت انگیزی آشکار شد؛ از آن جمله گویند: هنگام ولادت او جهان لرزید، آتشکده مقدس زردشتیان خاموش شد، شیاطین به وسیله شهاب از صعود به آسمان ممنوع شدند، چهارده کنگره از ایوان کسری شکست و این نشانه ای بود که نابودی دولت مقتدر ایران را نوید می داد." (ص ۱۰۰) "حضرت محمد ابتدا از مادرش آمنه شیر خورد، سپس طبق عادتی که تا به امروز اعراب دارند، او را به قبیله بادیه نشینی سپردند و تا سه سالگی نزد آن قبیله به سر برد... در این مدت چنان که مورخان نقل کرده اند، خوارق عادات و کارهای شگفت انگیزی از او دیده شد...." (ص ۱۰۰) "بیست سال که از سن آن حضرت گذشت، در جنگی که میان قریش و قبیله دیگری رخ داد، شرکت کرد و لیاقتی فوق العاده در آن جنگ از خود نشان داد که بعدها آن لیاقت در او به نحو آشکار خودنمایی کرد." (ص ۱۰۱) "درستی و خوش خلقی او شهرت بی سابقه (ای) در میان قریش برایش کسب کرد. به همین دلیل، قریش لقب "امین" به آن حضرت دادند. این آوازه بلند به علاوه نیک رفتاری و صداقت آن جناب، سبب شد که علاقه خدیجه آن زن ثروتمند بیوه مکه را به خود جلب کند تا بدان جا که تمام کارهای



تجارتی خود را به حضرت محمد واگذار کند...." (ص ۱۰۱)

### بعثت حضرت محمد

"گوستاولوبون" تحت عنوان "بعثت حضرت محمد(ص)" می گوید: الف "حضرت محمد تا چهل سالگی هیچ گونه سخنی درباره بعثت خود اظهار نفرمود. و پس از آن که طبق معمول هر ساله برای عبادت به کوه حرا که در سه میلی مکه است رفته بود، با رنگی پریده و حالتی متغیر نزد خدیجه آمد و چنانچه مورخان عرب گویند: به او فرمود: همین طور که من در کوه حرا گام برمی داشتم، شنیدم جبرئیل در گوش من چنین می گوید: "اقرأ باسم ربك الذي خلق... .." سپس به خدیجه فرمود: این سخن، وحی الهی است و من نیروی نبوت و پیامبری را در خود احساس می کنم. " (ص ۱۰۲) ب "تهدیدات و ریش خندها (ی مردم مکه) او را در تصمیم خود مردد نساخت، بلکه چنانچه ابوالفداء نقل کرده، به آنها فرمود: اگر خورشید را در دست راست من نهند و ماه را در دست چپ بگذارند، از این کار دست نخواهم کشید. " (ص ۱۰۳) ج "حضرت محمد(ص) در برابر انواع آزار و شکنجه، با کمال متانت و بردباری و خون سردی مقاومت کرد. و هر روز به برکت فصاحت و بلاغت او، پیروان تازه (ای) به او می گرویدند. " (ص ۱۰۴ و ۱۰۵) د "ده سال بدین ترتیب از عمر او گذشت و در این ده سال دقیقه (ای) از کار تبلیغ دین خود، کوتاهی نکرد. " (ص ۱۰۵)

### وقایع پس از هجرت

"گوستاولوبون" تحت عنوان "وقایع پس از هجرت" می گوید: "پس از این که پیغمبر به مدینه وارد شد، جنگ ها را خود رهبری می کرد یا یکی از یارانش را به رهبری برمی گزید. اولین جنگ مهمی که در سال دوم هجرت اتفاق افتاد، غزوه "بدر" بود. در این جنگ، یاران (حضرت) محمد(ص) که از ۳۱۴ تن

بیش نبودند، و در میان همه آنها سه اسب سواری بیش تر نبود، لشکر دشمن را که متجاوز از دو هزار نفر بودند، تار و مار کردند. و این شکست دشمن، موجب شهرت جنگی پیغمبر گردید." (ص ۱۰۶) "پس از جنگ بدر، جریان های دیگری بین حضرت محمد و همسایگان مدینه اتفاق افتاد که در غالب آن پیش آمدها غلبه و نصرت با حضرت بود و از خصوصیات او این بود که چون مغلوب می شد، مرعوب نمی شد و چون فاتح و پیروز می گشت، از حد اعتدال پا بیرون نگذاشته، مغرور نمی شد." (ص ۱۰۷) "پس از چند سال کار پیغمبر اسلام بالا گرفت و نیروهای زیادی به دست آورد، ولی برای این که قدرتش توسعه پیدا کند، لازم بود مکه را نیز به تصرف درآورد، ولی مصلحت چنان دید که ابتدا برای انجام این کار، با مسالمت رفتار کند. از این رو، با ۱۴۰۰ نفر از یاران خود به سوی مکه رهسپار شد. قریش گرچه از ورود او به مکه جلوگیری کرد، ولی فرستادگان آنها از بزرگداشت بی سابقه یاران پیغمبر نسبت به او مبهوت شدند؛ به طوری که یکی از آنها گفت: من، دربار امپراطور روم و پادشاه ایران را دیده ام، (ولی) به خدا سوگند هیچ پادشاهی را در میان پیروانش به عظمت و جلالت محمد ندیده ام." (ص ۱۰۷) "پس از این که (حضرت محمد ص) به شهر مکه درآمد، با قریشی که در طول بیست سال دست از آزار و دشمنی او نکشیده بودند، و از هرگونه اذیت و عنادی درباره او فروگذار ننموده بودند، با کمال مهربانی و ملاحظت رفتار کرد و با سختی توانست آنها را از دستبرد یاران خشمگین خود (که

در صدد انتقام از ایشان بودند) نگهداری فرماید...." (ص ۱۰۹) زندگی پیغمبر اسلام و ویژگی های اخلاقی او "لوبون" تحت عنوان "زندگی پیغمبر اسلام و ویژگی های اخلاقی او" می گوید: "عقل و خرد آن حضرت بر همه مردمان می چربید، و در اندیشه از همگان برتر بود. بیهوده سخن نمی گفت، و همیشه به ذکر خدا مشغول بود. پیوسته با مردم، خوش رو و غالباً خاموش می نشست. خوی او نرم و اخلاقش نیکو بود. در نظر او بیگانه و نزدیک، نیرومند و ناتوان در برابر حق یک سان بودند. مستمندان را دوست می داشت و هیچ گاه بی نوایی را به دلیل ناداری اش با نظر حقارت نمی گریست چنانچه زورمند را به سبب اقتدارش احترام نمی کرد. دل مردم شریف را به هر نحو (که) میسورش بود، به دست می آورد. یاران خود را دلگرم می کرد و از آنچه موجبات دل سردی آنان را فراهم می کرد، خودداری می نمود. هر که نزدش می آمد، با روی باز از او پذیرایی می کرد، و تا او از مجلس بر نمی خاست، حضرت بلند نمی شد. هر که دست به دست او می داد، تا او دستش را نمی کشید، پیغمبر (ص) دست خود را رها نمی کرد. و به همین نحو اگر کسی درباره حاجتی با او گفت و گو می کرد، تا خود رشته سخن را قطع نمی کرد، آن حضرت، سخنش را قطع نمی فرمود. نسبت به یاران خود تفقد و مهربانی می کرد و از وضع آنها می پرسید. گوسفندهای خود را به دست خود می دوشید و روی زمین می نشست. کفش و جامه خود را وصله می زد و کفش و جامه وصله دار می پوشید." (ص ۱۱۳) "رسول خدا (ص) از دنیا رفت و در تمام عمر، هیچ گاه از نان جو سیر نشد. گاهی اتفاق می افتاد که یک ماه

یا دو ماه در تمام خانه های آن حضرت، آتش برای طبخ غذا روشن نمی شد و خوراک آنها آب و خرما بود. و گاهی رسول خدا(ص) از گرسنگی، سنگ به شکم مبارک می بست." (ص ۱۱۳) "اضافه بر آنچه گفته شد، طبق گفته تاریخ نویسان عرب، حضرت محمد بسیار خوددار و متفکر، کم حرف، احتیاط کار، خوش قلب، در رفتار و کردار خود بسیار مراقب ادب و پاکیزگی خویش بود. تا پس از این که به ثروت و اقتدار نیز رسید، هیچ گاه کارهای خود را به دیگری واگذار نکرد. او در برابر سختی ها و دشواری ها خوددار و متحمل، با همتی بلند، و در برخوردها مهربان و خوشرو بود. یکی از خدمتگذارانش نقل می کند که هیجده سال تمام خدمت او را انجام می داد و در طول این مدت، هیچ گاه سخن تند یا کردار ملال آور حتی برای تنبیه کردن من نیز از او ندیدم." (ص ۱۱۳ و ۱۱۴) "حضرت محمد(ص) جنگجویی دلاور و در فنون جنگی ماهر بود. به هنگام خطر فرار نمی کرد و بی دلیل خود را به مهلکه نمی انداخت. آن تهورهای زیاده از حدی که در عرب دیده می شد، در او وجود نداشت. (ص ۱۱۴) "هنگامی که حضرت محمد جوان بود، دست تقدیر او را داور میان بزرگان سالخورده قریش قرار داد؛ جریان از این قرار بود که هنگامی که آنها خانه کعبه را تعمیر کردند، درباره نصب حجرالاسود که معتقد بودند فرشته(ای) آن سنگ را از آسمان برای ابراهیم آورده است نزاعی برخاست و هر کدام از بزرگان قریش می خواست افتخار نصب "حجرالاسود" را نصیب خود کند. کار نزاع بالا گرفت تا جایی که نزدیک بود خون ریزی شود و حل نزاع

را به دم شمشیر حواله کنند. در این میان، حضرت محمد(ص) که جوانی نورس بود، پیش آمده، گفت: پارچه(ای) نزد من بیاورید. گلیمی یا پارچه ای نزدش آوردند. او "حجرالاسود" را با دست خود برداشته، در میان آن پارچه نهاد، آن گاه گفت: هر یک از بزرگان قبائل، گوشه(ای) از این پارچه را به دست بگیرد و از زمین بلند کند. بزرگان قبائل به دستورش عمل کردند. اطراف پارچه را گرفته تا راستای جای سنگ بلند کردند. سپس خود او نزدیک آمده سنگ را از میان پارچه برداشت و در جای خود نهاد. و بدین ترتیب نزاع خاتمه یافت." (ص ۱۱۵) "مسلمانان بر اساس دلیل هایی که داشتند معجزات بسیاری از او نقل کرده اند که اجمال آن را مسیو "کازیمیرسکی" چنین نگاشته است: "به خواست او در حضور همه مردم، ماه دو نیم شد. روزی سرش را روی زانوی علی(ع) گذارده و همچنان به خواب رفته، علی(ع) نیز با این که نماز عصر نخوانده بود و آفتاب غروب می کرد، برای این که او را بیدار نکند، همچنان نشست تا او بیدار شود. و چون اطلاع پیدا کرد علی نماز نخوانده، دعا کرد تا خورشید برگردد، به طوری که پرتوش بر کوه ها و زمین افتاد و همچنان ایستاد تا علی نمازش را خواند، آن گاه غروب کرد. پیغمبر با این که قدش معتدل و متوسط بود هر که در کنار او راه می رفت، حضرت بلندتر از او به نظر می رسید. از چهره اش نوری، همیشه پرتو افشانی می کرد. و هم چنین هرگاه دست به پیشانی می نهاد، از میان انگشتانش نوری می درخشید. سنگ ها و درختان و گیاهان به او سلام می کردند و در

برابرش خم می شدند. حیوانات(ی) چون آهو، گرگ، سوسمار با او سخن می گفت(ند)بزغاله بریان شده با او تکلم کرد. جنیان از او ترس داشته و به او ایمان آوردند، زیرا بر آنها نیز سیطره مطلقه داشت. کور را بینامی کرد و مریض را شفا می داد و مرده را زنده می نمود. برای علی و خاندانش که گرسنه بودند، از آسمان، مائده فرود آورد. خبر داد که فرزندان فاطمه دچار ظلم و ستم می شوند و سلطنت بنی امیه هزار ماه طول می کشد و چنان شد که خبر داده بود. "گذشته از اینها این مطلب در نظر مسلمانان معتقد، به ثبوت رسیده که محمد(ص) (در یکی از شب ها به آسمان رفت...." (ص ۱۲۶ ۱۲۵) ۷" و اما این که نسبت مکر و خدعه به محمد(ص) می دهند، این نسبت چندان بی جا و نادرست است که نیازی به پاسخ گویی آن نیست. او مردی بود که در عین بی باکی، ایمانی داشت که با آن در هر مهلکه ای وارد می شد. و هر کس بخواهد در دل دیگران تخم ایمان بکارد، نخست باید پیش از هر کس خود ایمان داشته باشد. محمد(ص) مردی بود که به یقین می دانست از جانب خدا یاری می شود و همین ایمان بود که به او نیرو می داد و در برابر هر مشکلی پایداری می کرد. " (ص ۱۲۸) "معجزه کبرای پیغمبر این بود که توانست پیش از مرگ خود، قافله پراکنده عرب را گردهم آورد و از این کاروان سرگردان و پریشان، ملت واحدی تشکیل بدهد بدان سان که همه را در برابر یک دین، خاضع، فرمانبر و مطیع یک پیشوا گرداند. " (ص ۱۲۸) "شکی نیست که حضرت محمد از زحمات خود نتایج و بهره هایی گرفت که هیچ یک

از ادیان پیش از اسلام، چنین بهره‌هایی نصیب آنان نشد و از این رو آنحضرت حق بسیار بزرگی بر گردن اعراب دارد." (ص ۱۲۸) "اگر بخواهیم ارزش اشخاص را به کردار و آثار نیک شان بسنجیم، مسلماً حضرت محمد(ص) بزرگترین مرد تاریخ است، و بعضی از دانشمندان غرب با دیده انصاف بدان جناب نگریسته و بسیاری از مورخان را نیز تعصبات دینی مانع از اعتراف به فضیلت او گشته و پرده(ای) در جلو دیدگان شان آویخته است. از دانشمندان دسته اول مسیو "بارتلمی سنت هیلر" است که درباره حضرت محمد چنین می گوید: "محمد از همه اعراب باهوش تر بوده و در دین داری از همه کس محکم تر و نسبت به مردم، مهربان ترین بوده است. به واسطه همین برتری بود که بدان قدرت و عظمت فوق العاده رسید. ما این دین بزرگی که او آورد و مردم را بدان دعوت کرد، برای پیروانش یکی از نعمت های بزرگ خداوندی می شماریم." (ص ۱۳۰) (۱۲۹)

## قرآن مجید

"گوستاولوبون" تحت عنوان "خلاصه قرآن" می نویسد: "اعراب، قرآن را فصیح ترین کتاب ها می دانند... و من به این مطلب معترفم که قرآن سلسله آیات موزون و دلپذیری دارد که در میان کتاب های آسمانی دیگر بی نظیر و بی سابقه است." (ص ۱۳۲)

## فلسفه قرآن

"گوستاولوبون" تحت عنوان "فلسفه قرآن و علت عالم گیر شدن آن" چنین می نگارد: "ما چون به قواعد و عقائد اساسی قرآن مراجعه کنیم، ممکن است اسلام را صورت آشکاری از مسیحیت بدانیم، ولی با این حال اسلام با مسیحیت در بسیاری از مسائل اصولی اختلاف نظر دارد، بویژه درباره توحید که ریشه اساسی است، زیرا آن خدای یگانه(ای) که اسلام، مردم را بدان دعوت می کند، آن خدایی است که بر همه چیز مسلط و بالاتر از همه است. فرشتگان با قدسیان، اطراف او را نگرفته اند. و این افتخار، تنها بهره اسلام است که نخستین دینی است که توحید را در جهان آورده و باید در این باره به خود بیابد." (ص ۱۴۱) "سهولت بی نظیر اسلام، بر اساس توحید خالص است، و رمز پیشرفت اسلام نیز در همان سهولت و آسانی آن بوده(است). پی بردن به اسلام به همین دلیل، بسیار آسان است. اسلام از مطالبی که عقل سلیم از پذیرش آن خودداری می کند و در ادیان دیگر نمونه های آن بسیار است، کاملاً مبرا است؛ یعنی تناقضات و پیچیدگی هایی که غالباً در کیش ها و آیین های دیگر دیده می شود، در دین اسلام، وجود ندارد. هر چه شما فکر کنید، ساده تر از اصول اسلام نیست که می گوید: خدا یگانه است؛ مردم همگی در برابر خدا یک سان اند؛ با انجام چند فریضه دینی، انسان به بهشت (سعادت) می رسد. و با رو گرداندن از انجام آن به دوزخ درآید. شما

به هر مسلمان از هر طبقه ای که برخورد کنید، می بینید تمام اصول اسلام و آنچه بر او واجب است، همه را در قالب چند جمله کوتاه با کمال آسانی می ریزد و همه را به خوبی می داند. درست بر عکس مسیحیان که به آسانی نمی توانند معنای "تثلیث" و "استحاله" را بفهمند و یا سایر مسائل پیچیده(ای) که تا استاد در علم لاهوت و ماهر در ریزه کاری های بحث و جدل نباشد، هرگز از آن مطالب دشوار بیرون نخواهند آمد." (ص ۱۴۲ ۱۴۱) "شکی نیست که نفوذ سیاسی و اجتماعی اسلام بی نهایت زیاد و مهم است... در هر شهری که پرچم اسلام در آن به اهتزاز در آمد، تمدن نیز با درخشندگی خیره کننده خود در آن جا تجلی نمود." (ص ۱۴۳ ۱۴۲) "اسلام برای اکتشافات علمی از هر دینی مناسب تر و ملایم تر است. درباره واداشتن مردم به داد و دهش و گذشت از مردم، بزرگ ترین دینی است که می تواند تهذیب نفوس و اخلاق را به عهده گیرد." (ص ۱۴۳) "تحولات زمان در دین اسلام هیچ گونه تغییری نداد و همان نفوذی که در صدر اسلام داشت، هنوز همان نفوذ و تأثیر را در دل ها دارد با این که دین های پیشین روز به روز از قدرت و نیروی شان کاسته می شود. هم اکنون بیش از صد میلیون مسلمان در روی زمین زندگی می کنند. ممالک جزیره العرب، مصر، سوریه، فلسطین، تمام آسیای صغیر و قسمتی از آسیای کبیر از هند و روسیه و چین و هم چنین تمام قسمت شمالی افریقا تا آن سوی خط استوا تقریباً همه مسلمان اند. دو چیز است که میان تمامی این ملت های گوناگونی را که تابع دستورهای قرآن هستند، گردآورده



و همگی را به صورت یک ملت در آورده: یکی زبان و دیگری روابط دینی...<sup>۱۴۳</sup> "پیشرفت سریع قرآن موجب شده که مورخان مخالف اسلام، این پیشرفت را معلول دو چیز دانسته اند: یکی آزادی هایی که در این دین وجود دارد و دیگر زور شمشیر؛ ولی باید دانست که این نسبت های ناروا بر اساس صحیحی استوار نیست، زیرا هر کس قرآن بخواند، به خوبی می بیند که همان سخت گیری هایی که در ادیان دیگر دیده می شود، در این دین نیز موجود است. و موضوع تعدد زوجات نیز برای ملت های مسلمانی که پیش از ظهور اسلام در میان آنها رایج بوده است، چیز تازه (ای) نبود که موجب جلب آنان به پذیرش این دین گردد. و پاسخ این سخن را که نسبت آزادی عمل به دین اسلام داده اند، دانشمند نامی، مسیو "بیل" در چندین سال قبل به خوبی داده است. دانشمند مزبور پس از این که ثابت کرده که آنچه پیغمبر اسلام بدان دستور داده و پیروان خود را بدان پای بند کرده؛ مانند روزه، جلوگیری از باده گساری و دستورهای اخلاقی دیگر به مراتب سخت تر از دستورهایی است که مسیحیان (را) بدان دستور داده اند. آن گاه چنین گفته است:<sup>۱۴۴</sup> "با این حال کمال اشتباه و نادانی است، اگر کسی بیندازد که پیشرفت برق آسای اسلام در سراسر جهان بدین جهت بوده که اسلام کارهای دشوار و رفتار نیک را از دوش پیروان خود برداشته و آنها را در انجام کارهای زشت، آزادی عمل داده است."<sup>۱۴۵</sup> (ص ۱۴۴ ۱۴۵) مسیو "هوتینجر" فهرست کاملی از اخلاق کریمه و آداب پسندیده ای که در دین اسلام وجود دارد، تدوین نموده که صرف نظر از بحث طرف داری از اسلام، به راستی

این فهرست شامل آخرین دستورهایی است که ممکن است برای تهذیب اخلاق و جلوگیری از رفتارهای ناپسند یک انسان تدوین کرد. "(ص ۱۴۵)" "زور شمشیر نیز موجب پیشرفت قرآن نشد، زیرا رسم اعراب این بود که هر کجا را فتح می کردند، مردم آن جا را در دین خود آزاد می گذاردند. و این که مردم مسیحی از دین خود دست برمی داشتند و به دین اسلام می گرویدند و زبان عرب را بر زبان مادری خود انتخاب می کردند، بدان جهت بود که عدل و دادی که از آن عرب های فاتح می دیدند، مانندش را از زمام داران پیشین خود ندیده بودند. و برای آن سادگی و سهولتی بود که در دین اسلام مشاهده می نمودند و نظیرش را در کیش پیشین سراغ نداشتند." (ص ۱۴۵) "باری، قرآن به وسیله شمشیر پیشرفت نکرده، بلکه تنها با دعوت و تبلیغ بود. و همین تبلیغ بود که ملت های ترک و مغول را پس از ظهور اسلام هنگامی که بر سر اعراب مسلط شدند، با این که اعراب مغلوب آنها بودند، مسلمان کرد." (ص ۱۴۶) "قرآن در هندوستان که فقط عبور عرب بدان جا افتاد، چنان پیش رفته که هم اکنون بیش از پنجاه میلیون مسلمان در این کشور وجود دارد... و هم چنین در کشور پهناور چین که عرب حتی به یک وجب زمین آن جا نیز حمله نبرد، پیشرفت قرآن کمتر از هندوستان نبوده...." (ص ۱۴۷)

## فتوحات اعراب

"لوبون" تحت عنوان "بررسی اوضاع جهان در زمان پیغمبر اسلام" می گوید: "پیغمبر اسلام توانست هدف مقدس واحدی برای تمام ملت عرب بنا کند؛ ملت هایی که هدف و ایده ای نداشتند و همین بنای عالی پیغمبر بود که توانست به خوبی عظمت و شخصیت او را

آشکار نماید...."ص(۱۵۱)"اسلام در میان ملت هایی که به آن ایمان آوردند، وحدتی ایجاد نمود؛ نظیر همان وحدتی که عشق به شهر روم برای رومیان ایجاد کرد."ص(۱۵۱)لوبون تحت عنوان "خلفای راشدین" گوید: "آن وحدت سیاسی سرزمین های عربی که به دست او (پیامبر(ص)) انجام شد، نتیجه مساواتی بود که دین او در بر داشت و این وحدت سیاسی، زائیده آن وحدت دینی بود...."ص(۱۵۷)آنچه از نظر تان گذشت پاره ای از ارزنده ترین توصیفات "لوبون" درباره اسلام و پیغمبر اسلام و پیامدهای مثبت آن بود. برای طولانی نشدن، از ذکر دیگر تعاریف وی در این زمینه و موضوعات دیگر که مربوط به تمدن اسلام و عرب و جز آن می شود، بسنده می کنیم و مقاله را در همین جا به پایان می رسانیم.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

